خبرخوان

درانتظار راه‌اندازی اتاق‌های مصرف برای هروئینی‌ها

معاون پیشگیری و درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرد که در حوزه تحول در کاهش آسیب مصرف‌کنندگان هروئین، منتظر دستور ریاست‌جمهوری برای راه‌اندازی اتاق‌های مصرف هستند. هم‌اکنون نیز مراکز ارائه شربت تریاک سال‌هاست فعال‌اند و در چارچوب سیاست کاهش آسیب فعالیت می‌کنند؛ سیاستی که در بسیاری از کشورهای اروپایی نیز اجرا می‌شود. اجرای این طرح می‌تواند به ارتقای بهداشت عمومی کمک فراوانی کند. به گفته امیرحسین یاوری، اجرای طرح‌های کاهش آسیب می‌تواند به شکل قابل توجهی از شیوع بیماری‌ها و آمار مرگ‌ومیر در معتادان بکاهد. او با اشاره به اینکه «مراکز امید و زندگی» مکمل فرایند درمان هستند، تأکید کرد: «این مراکز می‌توانند چرخه معیوب فعلی درمان را متحول کنند. در حال حاضر هزینه‌های قابل توجهی برای درمان صرف می‌شود، اما بسیاری از افراد بارها به چرخه مصرف و درمان بازمی‌گردند. هدف ما خروج از این چرخه بسته و حرکت به سوی درمان پایدار است». او با مقایسه رویکردهای جهانی در حوزه اعتیاد ادامه داد: «در برخی کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، تمرکز اصلی بر کاهش آسیب است؛ به این معنا که فرد مصرف‌کننده، مادامی که به دیگران آسیبی وارد نکند، تحت مدیریت قرار می‌گیرد. در مقابل، رویکرد کشورهای شرقی بر درمان بلندمدت و پیگیری مستمر تا رسیدن فرد به ثبات چندساله استوار است». یاوری افزود: «مراکز ماده ۱۶ باید بیش از گذشته به سمت درمان‌محوری حرکت کنند و پس از مرحله سم‌زدایی، زمینه اشتغال و اسکان افراد را نیز فراهم آورند. بر همین اساس، بخش قابل توجهی از ظرفیت سال آینده به توسعه و احداث مراکز امید و زندگی اختصاص خواهد یافت». او همچنین از اقدامات در دست اجرا از جمله راه‌اندازی تعاونی فراگیر ملی بهبودیافتگان، صندوق ملی اشتغال، شبکه ملی اعتیاد و سامانه رصد و پایش سازمان‌های مردم‌نهاد خبر داد. معاون پیشگیری و درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر با اشاره به مشکلات ناشی از استفاده مکرر از سرنگ‌های آلوده توسط برخی معتادان متجاهر گفت: «استفاده چندباره از یک سرنگ، زمینه‌ساز انتقال بیماری‌های واگیردار و افزایش مرگ‌ومیر است. اجرای طرح‌های کاهش آسیب می‌تواند به شکل قابل توجهی از شیوع بیماری‌ها و آمار مرگ‌ومیر در معتادان بکاهد». یاوری از راه‌اندازی قریب‌الوقوع «خط ملی مشاوره اعتیاد» خبر داد و گفت: «رویکرد ما حرکت به سوی تولید محتوای نو و متناسب با نیازهای نسل امروز است. بسیاری از محتواهای موجود پاسخ‌گوی مخاطبان جوان نیست. از این رو، با راه‌اندازی قرارگاه فضای مجازی و تمرکز بر شبکه‌های اجتماعی، تلاش خواهیم کرد پیام‌های پیشگیری، درمان و مشارکت اجتماعی را با زبانی مؤثر و متناسب با مخاطبان جدید ارائه کنیم». محمد زارعی، قائم‌مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر هم با تأکید بر ضرورت پایان‌دادن به چرخه تکراری جمع‌آوری معتادان متجاهر گفت: «هزینه‌هایی که در این مسیر صرف می‌شود، باید به نتایجی پایدار و اثربخش منتهی شود. بر همین اساس، ایجاد «مراکز امید و زندگی» در دستور کار قرار گرفته و رویکرد جدید، عبور از مدل پیشین مراکز ماده ۱۶ است».

امکان خرید بیمه سنوات سربازی روستاییان

ایسنا: به دنبال امکان اضافه‌شدن دوره سربازی به سنوات بیمه‌ای صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر، مدیرعامل این صندوق از بررسی پرونده‌های متقاضیان خبر داد و گفت: «سنوات خدمت سربازی مشمولان، در سابقه بیمه‌ای آنها لحاظ می‌شود». حامد قادرمرزی با تشریح احکام اختصاصی صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در قانون برنامه هفتم توسعه، ادامه داد: «در قانون برنامه هفتم، سه حکم مختص این صندوق داریم؛ نخست «اصلاح نظام بنگاه‌داری» است که قول می‌دهم تا پایان خرداد ۱۴۰۵ به‌صورت صددرصدی انجام شود. دوم، «خرید سابقه خدمت سربازی» است که اجرا شده و موضوع سوم «متناسب‌سازی مستمری‌ها» که در حال پیگیری است». او با اشاره به «خرید سابقه خدمت سربازی» تأکید کرد: «با توجه به اینکه از یک دهه گذشته، مطالبه زیادی از سوی بیمه‌شدگان صندوق، مبنی بر اینکه بتوانند همچون سایر صندوق‌ها، دوران خدمت سربازی را به سنوات بیمه‌ای خود اضافه کنند، مطرح شده است، امسال این موضوع در بودجه صندوق لحاظ شده و بیمه‌شده‌های فعال این صندوق هستند، می‌توانند دوره خدمت نظام وظیفه خود را از صندوق خرید خدمت کرده و این دو سال را به سوابق بیمه‌ای خود اضافه کنند». مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر گفت: «این خدمت با مراجعه به کارگزاری‌ها قابل انجام است و فرایند خرید بیمه خدمت به‌صورت صددرصدی با ثبت تقاضای شخص از طریق وب‌سایت صندوق به آدرس https://www.roostaa.ir و اپلیکیشن «بیمه روستا» امکان‌پذیر خواهد بود».

یادداشت

از مطالبه تا سیاست‌گذاری؛ چرا صدای جامعه دیرشنیده می‌شود؟

ادامه از صفحه اول

● اعلام عمومی دلایل رد یا پذیرش یک مطالبه، انتشار گزارش‌های کارشناسی و ارائه جدول زمانی اجرای تصمیمات، حتی در صورت مخالفت با مطالبه، به افزایش فهم متقابل کمک می‌کند. مردم بیش از آنکه از «نه» ناراضی باشند، از «بی‌پاسخی» یا ابهام ناراضی هستند.

● کاهش مراحل زائد اداری، استفاده از دولت الکترونیک، تعیین ضرب‌الاجل‌های قانونی برای پاسخ به درخواست‌ها و ایجاد نظام ارزیابی عملکرد مبتنی بر نتیجه، می‌تواند فاصله زمانی میان تصمیم و اجرا را کاهش دهد. ● راه‌اندازی نظام منظم سنجش افکار عمومی، استفاده از پژوهش‌های دانشگاهی و تحلیل داده‌های اجتماعی، به تصمیم‌گیران کمک می‌کند تصویر دقیق‌تری از ترجیحات جامعه داشته باشند و سیاست‌های خود را با واقعیت اجتماعی تطبیق دهند. ● قوانینی که در عمل با مقاومت گسترده مواجه‌اند یا اجرای آنها پرهزینه و کم‌ثمر است، نیازمند بازنگری هستند. پیش‌بینی سازوکار «ارزیابی پسینی قوانین» (Post-Legislative Scrutiny) می‌تواند از انباشت مقررات ناکارآمد جلوگیری کند. ● پاسخ‌گویی صرفا یک سازوکار حقوقی نیست، بلکه یک فرهنگ سازمانی است. آموزش مدیران، تقویت رسانه‌های حرفه‌ای و حمایت از نقد کارشناسی می‌تواند این فرهنگ را تقویت کند. ● بازتعریف نسبت شوراهای عالی با قوه مجریه، شفاف‌سازی اختیارات هر شورا و نهادینه‌کردن سازوکار هماهنگی می‌تواند کارآمدی سیاست‌گذاری و سرعت پاسخ‌گویی به مطالبات اجتماعی را افزایش دهد.

جمع‌بندی

فاصله میان مطالبه مردم و تصمیم نهادهای حاکمیتی پدیده‌ای تک‌علتی نیست؛ حاصل برهم‌کنش ساختارهای نهادی، فرهنگ سیاسی، شرایط اجتماعی و ملاحظات حقوقی است. تداوم این فاصله، سرمایه اجتماعی و کارآمدی نظام سیاسی را تهدید می‌کند و می‌تواند به چرخه‌ای از بی‌اعتمادی، اعتراض و سیاست‌گذاری واکنشی بینجامد. در مقابل، اصلاح تدریجی و هوشمندانه سازوکارهای انتقال مطالبات، شفافیت، چابک‌سازی اداری و نهادینه‌سازی گفت‌وگو می‌تواند این شکاف را کاهش دهد. هیچ نظام سیاسی‌ای بدون سازوکارهای مؤثر شنیدن و پاسخ‌دادن پایدار نمی‌ماند. هنر حکمرانی در جهان امروز، نه در انکار مطالبات، بلکه در مدیریت عقلانی، مرحله‌بندی‌شده و گفت‌وگومحور آنهاست. اگر هدف، تقویت نظم سیاسی و افزایش رضایت عمومی است، باید فاصله میان «صدا» و «تصمیم» را کوتاه کرد؛ زیرا در عصر ارتباطات، تأخیر در شنیدن، خود به تولید بحران می‌انجامد.

گزارش میدانی «شرق» از برگزاری چهلم جان‌باختگان دی‌ماه در بهشت زهرا:

داغ ۴۰ روزه

نسترن فرخه: پدری ۴۰ روز است با لباس تیرخورده دخترش سر مزار می‌آید، مادری با مشت به سینه خود می‌کوبد و جوانی در شلوغی جمعیت عکس رفیقش را در آغوش گرفته. یکی شاهد شلیک به دخترش بوده و دیگری بعد از چند روز بی‌خبری، جنازه پسرش را در کهریزک پیدا کرده است. سوگ هرکدام به شکلی است و حالا در بهشت زهرا شاهد ۴۰ روز تجربه داغ یکدیگرند. برخی از این خانواده‌ها بدون هیچ مراسمی، با تعداد محدود دور سنگ‌قبرهای مربعی‌شکل نشستند و در سکوت سوگواری می‌کنند.

●●●

هر اسم یک زندگی

«۴۰ روز است روی ماهت را ندیده‌ام». دستانش را به قفسه سینه‌اش می‌کوبد و با صدایی که به گوش همه عزاداران برسد با محمدصالح، پسر جوانش که به خاک سپرده شده، خداحافظی می‌کند. کنار مزارش چند بادکنک به رنگ پرچم ایران در هوا تکان می‌خورد و بنری که آخرین وصیت «محمدصالح» را روی آن چاپ کرده‌اند: «من در آرامش هستم، زندگی من جشنی زیبا بود»؛ این جمله در شروع یادداشتی که برای مادر و پدرش بر جا گذشته، نوشته شده است. طبق گفته دوستانش، نوزدهم دی‌ماه در منطقه آریاشهر با شلیک گلوله کشته می‌شود. در بین جمعیت، دختر جوانی که پیراهن سفید به تن دارد، نخ بادکنک‌ها را در دست می‌گیرد و کنار قبر پر از گل گلایل می‌نشیند. دیگر جوان‌ها هم در سکوت کنار عکس محمدصالح ایستاده‌اند و با گریه‌های این مادر داغدار همراه می‌شوند: «محمد رفت، به دوستی با او افتخار می‌کنم. هنوز هیچ‌کدام از ما باور نکرده که او دیگر نیست». تعداد حاضران مراسم چهلم زیاد است، اما فقط یک صدا به گوش می‌رسد که صدای ناله‌های مادر محمدصالح است. بین این جوان‌ها دختری می‌گوید: «جان مادرش به محمد بند بود. نمی‌دانم دیگر سر پا می‌شود یا نه، مادرش هنوز باور نکرده، برای ما مثل کابوس است، نمی‌دانم با چه نیرویی می‌توان این داغ را تحمل کرد». اینجا همه سوگوار جوان‌های کشته‌شده‌شان در ماه قبل هستند، صدای موزیک‌های غم‌انگیز از هر طرف به گوش می‌رسد، یکی با آهنگی بی‌کلام و دیگری با صدای نی و فلوت در حال عزاداری است. باد تند، خاک این قطعه‌های تازه‌تأسیس بهشت زهرا را به رقص درآورده. کنار بیشتر قبرها خانواده‌ای سیاه‌پوش نشسته است، اما پدر مصطفی با همان پیراهن آبی‌ای که همیشه به تن داشته، به قبر پسر ۲۷ ساله‌اش خیره مانده است. «مصطفی» هجدهم دی‌ماه در یکی از خیابان‌های تهرانسر با شلیک گلوله کشته می‌شود و حالا همه دوستانش که جوان‌هایی هم‌سن‌وسال خودش هستند، دور مزارش جمع شده‌اند: «انگار در خواب بسیار تلخی گیر افتاده‌ایم، هر شب دلم می‌خواهد از این خواب بیدار شوم، اما صبح دوباره همه چیز از اول شروع می‌شود. رفیقم دیگر نیست، دیگر او را نمی‌بینم. در گروه دوستانه ما حضور ندارد. مصطفی دیگر قرار نیست به تلفن همراه من زنگ بزند یا برای بیرون‌رفتن من به او زنگ بزنم. هر بار یادم می‌رود که نیست. کمر همه ما شکسته است». جمله‌اش را نیمه‌تمام می‌گذارد و دستش را روی صورت جوانش می‌گیرد، شانه‌هایش به لرزش می‌افتد و پسر دیگری او را در آغوش می‌گیرد. صدای زنی از بین جمعیت شنیده می‌شود: «تازه شکوفه کرده بودی، کجا رفتی؟». دختری حدودا ۲۰ ساله، سبدی گل رز در دست دارد و چند ثانیه یک بار مشتی از آن را بر سر دوستان مصطفی می‌ریزد. در این شلوغی، مادر و پدر میانسال «مصطفی» مبهوت سنگی با نام پسرشان هستند که همه دورش حلقه زده‌اند. از فاصله دور، قطعه‌های ۳۲۲ تا ۳۲۹ از فرط حضور آدم‌های سیاه‌پوش، همچون حریری سیاه به چشم می‌خورد. عزاداران گروهی یا تک‌نفره در کنار مزاری نشسته‌اند. بعضی از رهگذران بدون آنکه عزیزی از دست داده باشند، اینجا آمده‌اند تا به خانواده‌های داغدار تسلیت بگویند و آدرس قبرها را به یکدیگر می‌دهند. یکی از آنها دختر جوانی است که از صبح زود اینجا حضور داشته است: «تا جایی که می‌توانستیم قبر کشته‌شده‌ها را پیدا کردیم و برای تک‌تکشان فاتحه‌ای خواندیم. بعضی دیگر را هم با پرس‌وجو و دیدن خانواده‌هایشان پیدا کردیم. همه جوان و زیبا بودند، همه‌شان برای مردن حیف بودند».

عکس: نسترن فرخه، شرق

مزارهای بدون سنگ

هنوز برای خیلی از این جوانان، سنگ مزاری نصب نشده، نام و مشخصات‌شان همچنان بر روی سنگ کوچک مربعی‌شکل حک شده است. تاریخ وفات اغلب هجدهم و نوزدهم دی‌ماه است و بیشترشان متولدان دهه‌های ۸۰ و ۷۰. مثل دانیال ۲۸ ساله که هجدهم دی‌ماه در منطقه فردیس به سرش شلیک شد. مادر جوانش روی زمین نشسته و گریه امان حرف‌زدن به او را نمی‌دهد: «باورم نمی‌شود جوان رعنایم دیگر نیست، خالی شدم، پوچ شدم. پسرم، جگرگوشه‌ام را از من گرفتند. بعد از چند روز پیگیری گفتند برای تحویل به پزشکی قانونی کهریزک بروید، رفتیم و جسد بی‌جانش را به ما دادند. به سرش شلیک کرده بودند. به صورت نازنینش زدند. قلبم پر از آتش است که خاموش نمی‌شود».

عکس «مجید» را کندند و سنگش را شکستند

اسم حک‌شده بر روی هر سنگ در این قبرستان، داستانی دارد. آدمی که روزی معنایی در زندگی داشته و حالا فقط خاطره‌ای جا مانده از او و نبودنش، خانواده‌ای را برای همیشه ویران کرده است؛ مثل «مجید» ۴۲ ساله که در شلوغی اعتراضات، در منطقه فلاح کشته شد. زن جوانی کنار قبرش نشسته، خود را کارفرمای او معرفی می‌کند که در مغازه سبزی‌فروشی، مجید برایش کار می‌کرد: «مادر و پدر پیری دارد که خرج آنها را می‌داد. خیلی مظلوم بود، بچه خوب و بامعرفتی بود. الان مادر و پدرش واقعا بی‌کس شدند چون این جوان همه کارهای آنها را تنهایی انجام می‌داد. آن‌قدر مادر و پدرش پیرند که تنهایی نمی‌توانند سر قبر پسرشان بیایند. چند روز قبل عکس مجید را بالای قبرش نصب کردیم، بعد آمدیم دیدیم آن را کنده‌اند. خدا را خوش می‌آید؟ من که صاحبکارش بودم و به اندازه خانواده‌اش درد نمی‌کشم، فقط از خدا می‌خواهم به خانواده‌اش صبر بدهد. اینجا قبر خواهرش هم بود، اما همان روز که عکس را کندند، قبر را هم شکستند، الان این خانواده باید چند میلیون پول سنگ قبر بدهد، این کارها حرام است، در هیچ آیینی چنین کاری درست نیست».

آخرین نشان از نگین؛ کاپشنی تیرخورده

بیشتر خانواده جان‌باختگان بدون هیچ مراسمی، دور قبر عزیزان خود جمع شده‌اند و عزاداری می‌کنند. در بین آنها معدود خانواده‌ای به چشم می‌خورد که با برگزاری مراسم میزبان میهمان‌های زیادی باشد. همچون خانواده «حبیب»؛ جوانی که در یکی از خیابان‌های تهران، در همان روزهای اعتراضات به ضرب گلوله کشته شده و حالا خواهر، برادر و پدرش دور هم برایش مراسم گرفتند. برادر جوانش روی قبر دراز کشیده و زیر لب با جملات بریده و نامفهوم زمزمه می‌کند: «دادشم، مونسم، کجا رفتی؟». پدر اما در سکوت اشک می‌ریزد و دستش را بر شانه‌های پسرش می‌گذارد: «پسرم را از من گرفتند، نباید زندگی ما این‌طور می‌شد، نباید این‌طور حبیب را از ما می‌گرفتند. آزارش به هیچ‌کس نمی‌رسید، سرگرم کار خودش بود، نابود شدیم و می‌دانم این خون‌ها بر زمین نمی‌ماند». عکس بزرگی از چهره جوان حبیب را بالای قبرش گذاشته‌اند و خواهرش مرتب بر چهره آن دست می‌کشد و نام برادرش را تکرار می‌کند. روایت خانواده‌های داغدار فقط معطوف به قطعه‌های جدید نیست، در بین قطعه‌های قدیمی‌تر هم نشانی از آنهاست. مثل مزار «نگین»، دختر ۲۷ ساله‌ای که در آغوش پدرش جان داد. دور قبرش اعضای خانواده ایستاده‌اند، پدرش با کاپشنی مشکی که به تن دارد، بدون هیچ کلامی آرام اشک می‌ریزد. یکی از مردان خانواده توضیح می‌دهد: «این کاپشن تن پدر نگین را ببینید، همان لباسی است که نگین آخرین بار به تن کرده بود. جای تیری که به او زدند هنوز روی لباس مانده است. تمام روز پدرش همین کاپشن را به تن دارد». مادر و خواهرش با دقت گل‌های روی سنگ را تزیین می‌کنند: «این جوان‌ها همه پرپر شدند. دختر زیبای من هم پرپر شد». دیگر کسی حرف نمی‌زند و در سکوت همه به گل‌های سفید و زرد روی سنگ خیره می‌شوند. گل‌فروش‌های داخل بهشت زهرا می‌گویند عزاداری خانواده‌های قربانیان دی‌ماه با دیگر عزاداران متفاوت است. یکی از آنها می‌گوید: «خیلی از آنها مراسم خاصی نگرفتند. چون ما هر روز اینجا هستیم می‌بینیم که مراسم بعضی از این خانواده‌ها متفاوت بود. مثلا خیلی از اینها حتی صندلی برای مراسم اجاره نکردند، خودشان مراسم مختصر و خانوادگی گرفتند و رفتند. نمی‌دانم شاید حتی حوصله مراسم‌گرفتن هم ندارند و در شوک مانده‌اند». عصر جمعه در بهشت زهرا غم‌انگیزتر است؛ عصری که با ادامه برگزاری مراسم چهلم جوانان دی‌ماه سنگین‌تر هم شده، آفتاب کم‌رمق‌تر است اما هنوز خیلی‌ها وارد قطعه‌ها می‌شوند و سر مزاری می‌نشینند. وزش باد، سوز زمستان را بیشتر می‌کند، اما سیاه‌پوشان بی‌توجه به سرما، سوگواری‌شان را می‌کنند و قرار است این هفته بهشت زهرا مراسم بیشتری به خود ببینند؛ مراسم داغ ۴۰روزه دی‌ماهی‌ها.

گزارش «شرق» از آخرین وضعیت بازداشت‌شدگان دی‌ماه ۱۴۰۴:

آمار دقیقی موجود نیست

نیلوفر حامدی: دستگاه قضائی تاکنون آماری از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ اعلام نکرده است. در آخرین اظهارات هم گفته شده عدد دقیق بازداشتی‌ها پس از بررسی پرونده‌ها اعلام خواهد شد. اخبار رسمی هم فقط به انتشار اخبار بازداشتی‌های گروه‌ها و اصناف مختلف پرداخته است؛ دانش‌آموزان، دانشجویان، کادر درمان، وکلا و... در چهلم رخداد ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، آنچه روشن است، ادامه قرار بازداشت برای بسیاری از اسامی است که شاید حتی نامشان را هم ندانیم.

●●●

ادامه بازداشت دانشجویان با وجود شروع امتحانات

«هیچ گروهی حق ورود خودسرانه به دانشگاه را ندارد»؛ این جمله دستیار رسانه‌ای وزیر علوم است که یک روز پس از بالاگرفتن اعتراضات دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی در میانه اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ مطرح کرد. با وجود این، دانشجویان بازداشتی بسیاری این روزها در زندان‌ها به سر می‌برند. «پرتو برهان‌پور»، وکیل پایه یک دادگستری پیش‌تر درگفت‌وگو با «شرق» و با اشاره به تعدد پرونده‌های دانشجویان در زندان گفته بود: «بازداشت‌ها شامل افراد مختلف جامعه از گروه‌ها و طبقات مختلف می‌شود. مثلا تعداد بسیار زیادی از افرادی که به وکلا مراجعه می‌کنند، دانشجو هستند. توجه ویژه به پرونده دانشجویان مهم است؛ چون همین حالا هم امتحانات آنها آغاز شده است و باید حق حضور در امتحانات را داشته باشند». دانش‌آموزان هم در فهرست بازداشتی‌ها قرار دارند. سخنگوی وزارت آموزش و پرورش در آخرین اظهارنظر خود درباره بازداشت دانش‌آموزان اعلام کرده: «تا جایی که به من اطلاع داده‌اند، با پیگیری‌های وزیر آموزش و پرورش در همان روزهای اولیه تمام دانش‌آموزان دستگیرشده که فریب دشمنان را خورده بودند، آزاد شدند». پس از آن بود که جمعی از سازمان‌های مردم‌نهاد حقوق کودک در نامه‌ای به مسئولان قضائی نوشتند کودکان بازداشت‌شده را آزاد کنند. حالا «محمد حبیبی»، سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان می‌گوید: «متأسفانه در برخی از استان‌ها کودکان بازداشتی به‌جای مراکز کانون اصلاح و تربیت در زندان‌ها در کنار دیگر زندانیان نگهداری می‌شوند». به گفته او بخشی از دانش‌آموزان همچنان در بازداشت هستند و هنوز وضعیت آنها روشن نشده است. دراین‌باره وزارت آموزش و پرورش مسئول است.

تعداد دقیق بازداشتی‌های کادر درمان مشخص نیست

کادر درمان، یکی از برجسته‌ترین گروه‌هایی بودند که نامشان در فهرست بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ بارها و بارها تکرار شد. فهرستی که البته تا به امروز ابهامات زیادی داشته است. رئیس سازمان نظام پزشکی پیش‌تر گفته بود تعداد پزشکان بازداشت‌شده، ۱۷ نفر است. در حالی که گزارش‌های غیررسمی و بررسی روایات خانواده‌ها و بستگان پزشکان کشور، عددهای دیگری را نشان داده بود. این در حالی است که طبق قانون، کادر درمان موظف به ارائه خدمات درمانی به بیماران اورژانسی است؛ چه در داخل بیمارستان و چه خارج از آن. اما تأکید مسئولان مکررا بر این است که هیچ‌یک از بازداشتی‌ها کادر درمان، به‌دلیل اقدامات درمانی تخصصی خود بازداشت نشده‌اند. عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس به‌تازگی و با اشاره به آمار بازداشت پزشکان و کادر درمان در حوادث اخیر کشور اعلام کرد: «حدود ۳۳ نفر در این حوزه بازداشت شده‌اند که از این تعداد، ۲۲ نفر همچنان در بازداشت به سر می‌برند و هیچ‌یک به‌دلیل ارائه خدمات درمانی دستگیر نشده‌اند». به گفته محمد جمالیان، هیچ‌یک از اعضای کادر درمان تا به حال حکم قضائی دریافت نکرده‌اند: «عنوان شد که تعدادی از پزشکان در حال دستگیری هستند و حتی برای تعدادی از پزشکان حکم اعدام صادر شده است. خودم این موارد را به‌دلیل حساسیتی که روی کادر درمان داریم و ارزش اینها را می‌دانیم، پیگیری کردم؛ چنین چیزی درست نیست و هیچ حکمی بریده نشده بود». سازمان نظام پرستاری هم اگرچه در گفت‌وگو با «شرق» در هفته گذشته از اعلام رسمی فهرست پرستاران بازداشت‌شده خبر داده بود، اما تا به حال هیچ اقدامی در این زمینه نکرده است. از سوی دیگر، محمد شریفی‌مقدم، دبیرکل خانه پرستار، از نبود آمار دقیق درباره پرستاران بازداشت‌شده انتقاد کرده بود: «تعدادی از پرستاران در جریان اعتراضات دی‌ماه بازداشت شده‌اند اما عدد دقیقی در این زمینه وجود ندارد. همچنین کسانی که باید در حمایت از پرستاران بازداشت‌شده اقدام کنند، خود را کنار کشیده‌اند و پیگیری مشخصی در این مورد انجام نشده است. علاوه بر بازداشت‌های ۱۸ و ۱۹ دی، در روزهای بعد هم پرستارانی بازداشت شده‌اند. مثلا هفته گذشته یک پرستار شاغل در مرکز پرستاری در منزلش بازداشت شد». سازمان نظام پزشکی هم از تعیین چند وکیل برای پیگیری قضائی پرونده‌های اعضای این سازمان خبر داده است؛ وکلایی که البته در جرگه وکلای مستقل محسوب می‌شوند و از فهرست وکلای تبصره ۴۸ هستند که پیش‌تر دستگاه قضا نام آنها را برای ورود به پرونده‌های سیاسی-امنیتی مجاز دانسته است. محمد میرخانی، معاون اجتماعی و پارلمانی سازمان نظام پزشکی، در توضیح این خبر افزوده است: «سه وکیل اختصاصی تبصره ۴۸ برای پیگیری پرونده‌های قضائی و امنیتی برخی اعضای جامعه پزشکی تعیین شده‌اند. این وکلا به‌صورت مستمر روند رسیدگی به پرونده‌ها را دنبال و از حقوق صنفی و قانونی جامعه پزشکی دفاع می‌کنند». میرخانی همچنین از راه‌اندازی خط تلفن ویژه ۸۴۱۳۸۳۹۰ در معاونت اجتماعی و پارلمانی سازمان برای اعلام وضعیت و پیگیری امور اعضای بازداشت‌شده خبر داد.

۱۲ وکیل بازداشتی، ۳ وکیل وثیقه‌شده

ورود وکلا به پرونده پزشکان در حالی است که از خود وکلا نیز نام‌هایی در فهرست بازداشت‌شدگان وجود دارد. کانون وکلای دادگستری مرکز ۲۳ بهمن با انتشار فراخوانی، از تمامی وکلای عضو این کانون دعوت کرد تا برای پذیرش وکالت تسخیری و تعیینی در پرونده‌های مرتبط با بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر اعلام آمادگی کنند. در این فراخوان، کانون وکلای مرکز با تأکید بر مغایرت محدودیت مندرج در تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری با اصل ۳۵ قانون اساسی که حذف آن نیز از سوی مقامات عالی قضائی و تقنینی پیشنهاد شده، بر صلاحیت عام تمامی وکلای دادگستری برای پذیرش وکالت در کلیه دعاوی و پرونده‌های قضائی تأکید کرده است. این در حالی است که تا به امروز نام ۱۲ وکیل در فهرست بازداشت‌شدگان وجود دارد؛ شیما قوشه، عنایت‌الله کراماتی، حسین شکری، داریوش گنجه‌پور، نازنین برادران، حمید نوروزی، عادی شریف‌زاده، تیمور سالاری، مسعود شیرمردی شاه‌قاسمی، علیرضا فرزانه جاجرومی، محسن درگی‌نژاد و امیرحسین بهادری. سه وکیل دیگر هم تا به امروز وثیقه شده‌اند.

بازداشت‌شدگان بدون صنف و حامی

در میان مردم عادی هم البته بازداشتی‌های زیادی وجود دارد. طبق بررسی‌های «شرق» در حال حاضر حدود ۷۰ متهم در بند زنان زندان اوین حضور دارند. از زندان زنان قرچک نیز اگرچه خبر رسمی اعلام نشده، اما ده‌ها متهم زن دیگر در بند قرنطینه این زندان، در انتظار تعیین‌تکلیف قضائی هستند. یکی از خانواده‌های این بازداشتی‌ها در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «دخترم را می‌توانستند با یک تعهد ساده آزاد کنند اما حالا بیش از یک ماه است که در زندان به سر می‌برد. تنها خواسته ما هم این است که وثیقه‌اش کنند». زندانیان مرد را هم در صورتی که در مرحله بازجویی وثیقه نشوند، به زندان‌های فشافویه و تهران بزرگ می‌فرستند. پدر یکی از این زندانیان می‌گوید: «در حالی که می‌توانند با فک قرار بازداشت شرایط درمان را برای او و خیلی‌های دیگر مهیا کنند. امیدوارم هرچه زودتر این اتفاق بیفتد تا خیالم از سلامت پسرم راحت شود».

خبرهای روز

تعیین محل «اعتراضات» از سوی دانشگاه تهران

ایسنا: رئیس دانشگاه تهران با بیان اینکه هیچ محدودیتی برای بیان اعتراضات دانشجویی وجود ندارد، گفت: «برای اولین‌بار محل فیزیکی مشخصی برای برگزاری تجمعات دانشجویی در نظر گرفتیم که امکان برگزاری تجمع حتی با درخواست سه دانشجو نیز وجود دارد». محمدحسین امید با بیان اینکه تعطیلی طولانی‌مدت دانشگاه اتفاق مطلوبی نیست، افزود: «اینکه دانشگاه بیش از ۴۵ روز تعطیل باشد، خیلی بد است». او در ادامه با بیان اینکه در ترم پیش‌رو دانشگاه تعطیل نیست، درباره اعتراضات دانشجویی گفت: «ما در دانشگاه تهران از گذشته هم اعتراضات منطقی داشته‌ایم و دانشجویان ما اهل خشونت و تخریب نیستند، در همین راستا و برای ساماندهی اعتراضات، دانشگاه تهران سازوکاری را برای برگزاری تجمعات و گردهمایی‌های دانشجویی پیش‌بینی و معاونت فرهنگی دانشگاه محلی را آماده کرده تا دانشجویان، علاوه بر تشکل‌های رسمی که پیش از این نیز امکان دریافت مجوز داشتند، حتی به صورت غیرتشکلی نیز بتوانند درخواست برگزاری برنامه یا تجمع بدهند». رئیس دانشگاه تهران توضیح داد: «برای این منظور دانشجویان می‌توانند درخواست رسمی خود را به معاونت فرهنگی ارائه کنند. درخواست‌ها بررسی می‌شود و در صورت تأیید، مجوز صادر و محل در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا گردهمایی یا اعتراض خود را برگزار کنند». به گفته امید، در مرحله نخست، باشگاه دانشجویی برای اجرای این طرح اختصاص یافته است و این اقدام به صورت آزمایشی در فضای بسته آغاز شده تا تجربه لازم به دست آید. او افزود: «این مکان، محل گفت‌وگو و گفت‌وشنود است و دانشجویان می‌توانند خودشان برنامه را اداره کنند و حرف‌هایشان را بزنند. در گام بعدی، دانشگاه در نظر دارد فضایی باز را نیز برای این منظور اختصاص دهد تا امکان برگزاری برنامه‌ها در محیط باز نیز فراهم شود». رئیس دانشگاه تهران تأکید کرد: «هیچ محدودیتی برای بیان اعتراض وجود ندارد. تاکنون نیز مسئله این بود که برخی اقدامات بدون مجوز انجام می‌شد. اکنون این مسیر را فراهم کرده‌ایم تا حتی اگر سه نفر از دانشجویان هم بخواهند برنامه‌ای برگزار کنند، با ارائه درخواست رسمی، مجوز لازم از سوی معاونت فرهنگی صادر شود و بتوانند در محیط تعیین‌شده برنامه خود را اجرا کنند».

حذف پایگاه‌های کانکسی اورژانس

ایرنا: رئیس سازمان اورژانس کشور با بیان اینکه بخشی از نیروهای اورژانس همچنان در پایگاه‌های کانکسی فعالیت می‌کنند، گفت: «برنامه‌ریزی کرده‌ایم این پایگاه‌ها به‌تدریج حذف و سازه‌های ثابت جایگزین آنها شود؛ البته تحقق این موضوع نیازمند تأمین زمین از سوی شهرداری‌ها و استانداری‌هاست». جعفر میعادفر در ادامه به موضوع تجهیزات اشاره کرد و گفت: «آمبولانس‌ها به‌صورت خالی از تجهیزات خریداری می‌شوند، چراکه تولیدات داخلی می‌تواند نیازهای ما را تأمین کند و با توجه به هزینه بالای تجهیزات خارجی، تلاش کرده‌ایم از ظرفیت محصولات داخلی استفاده کنیم. حتی برای آمبولانس‌های توزیع‌شده نیز نگاه آینده‌نگر داشتیم و تجهیزات خریداری‌شده را در اختیار دانشگاه‌های علوم پزشکی قرار دادیم». رئیس سازمان اورژانس کشور درباره بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ادامه داد: «برای ارتقای خدمات، از فناوری‌های جدید استفاده کرده‌ایم. از جمله سامانه «گرااسکول» که یک سامانه آمریکایی بود، بومی‌سازی و به سامانه ایرانی تبدیل شد. همچنین نوار قلب امکان تشخیص ایست قلبی را برای تکنسین فراهم کرد تا تصمیم‌گیری برای اعزام و انتقال بیمار به بیمارستان با دقت و سرعت بیشتری انجام شود». در ادامه حسن نوری، معاون آموزش همگانی سازمان اورژانس کشور، از برنامه تربیت ۷۰۰ گروه آموزشی در مراکز اورژانس پیش‌بیمارستانی کشور و تجهیز آنها به مولاژهای آموزشی خبر داد و افزود: «آموزش احیای قلبی-ریوی در پایه دهم تحصیلی به‌صورت تئوری و عملی پیش‌بینی شده و پس از تربیت مربیان آموزشی به مرحله اجرا خواهد رسید، برای کارکنان نیز هشت ساعت آموزش الزامی ضمن خدمت به همراه سه ساعت تمرین عملی CPR در نظر گرفته شده است».